



دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان - 27 / مرداد / 1387

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً این عید سعید و مژده بخش و کانون امید برای انسانهای مؤمن، بر همه ی شما برادران و خواهران عزیز و بر همه ی مؤمنان به ولایت اهل بیت (علیهم السّلام) و همه ی انسانهای هشیار و آگاه و آزادی طلب و ظلم ستیز مبارک باد.

روز نیمه ی شعبان روز امید است. این امید، مخصوص مجموعه ی شیعیان یا حتی مخصوص امت مسلمان هم نیست. اصل امید به یک آینده ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتی ادیان هند، بودائی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده ای را بشارت داده اند. این در واقع امید بخشیدن به همه ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگوئی به نیاز انسانها به این امید، که حقیقتی هم با آن بیان شده است.

ادیان الهی و آسمانی - که اغلب این ادیان ریشه های الهی و آسمانی دارند - نخواستند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیتی را بیان کردند. در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه گری مفهوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابق در خیرات است. این یک حقیقتی است که بین همه ی ادیان مشترک است.

خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمیخورند؛ یک واقعیتی را جستجو میکنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکند؛ مردم را می بیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهایی که سعادت‌مند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت میکنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصیت عقیده ی ما شیعیان است.



آنهایی هم که از مذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ وقت نتوانستند دلیلی که عقل پسند باشد بر رد این فکر و این واقعیت، اقامه کنند. همه ی ادله ی روشن و راسخ که بسیاری از اهل سنت هم آن را تصدیق کرده اند، به طور قطع و یقین از وجود این انسان والا، این حجت خدا، این حقیقت روشن و تابناک - با همین خصوصیات که من و شما میشناسیم - حکایت میکند و شما در بسیاری از منابع غیر شیعه هم این را مشاهده میکنید.

فرزند مبارک پاکنهاد امام حسن عسکری (علیه الصلّاة و السّلام)، تاریخ ولادتش معلوم است، مرتبپینش معلومند، معجزاتش مشخص است و خدا به او عمر طولانی داده است و میدهد. و این است تجسد آن آرزوی بزرگ همه ی امم عالم، همه ی قبائل، همه ی ادیان، همه ی نژادها، در همه ی دوره ها. این، خصوصیت مذهب شیعه در باره ی این مسئله ی مهم است.

یک نکته در باب مسئله ی مهدویت این است که شما در آثار اسلامی، در آثار شیعی می بینید که از انتظار ظهور حضرت مهدی تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی ای وجود داشته باشد، وقتی گرهی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند به فرج؛ یعنی سرانگشت گره گشا؛ بازکننده ی عقده های فروبسته. این نکته ی مهمی است.

معنای انتظار فرج به عنوان عبارة آخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم السّلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر میشناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصلّاة و السّلام) برای اینکه فرج برای همه ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده ی بشر را نجات بدهد.

این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیرعادلانه، این نظم بشری ای که در آن انسانهای بیشماری مظلوم واقع میشوند، دلهای بیشماری گمراه میشوند، انسانهای بیشماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمیکنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن



آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است.

امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید، همان چیزی که در روایات مربوط به ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه ی گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر (ارواحنا فداه) دارد که «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ همچنانیکه یک روزی همه ی عالم از ظلم و جور پر بوده است - در روزگاران ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است - همانطور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه ی دنیا است. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه ی ظلم، غلبه ی اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوانند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیونها انسانی که در نظامهای طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند، حتی فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملتی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه ی محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه ی سیطره ی ظلم و جور بر دنیاست. این، انتظار فرج را با وضعیت کنونی زندگی انسان در دوره های مختلف معنا میکند.

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت گستری بیاید و این غلبه ی ظلم و جور را که همه ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله ی خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) تحقق پیدا خواهد کرد. باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آنچه شرائطی مجاهدت کند، آماده کنیم.

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزنند، هیچ اصلاحی را وجهه ی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصلوة و السلام) هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده ی واقعی خدا



بکنند. باید برای این کار آماده بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلوة والسلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است.

امروز بحمدالله ملت ما توجهشان به مقوله ی مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (سلام الله علیه) از همیشه بیشتر است. روز به روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدس حضرت حجت (سلام الله علیه) بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظری رحیمه ی آن بزرگوار به ملت ما، دلهای آنها را متوجه آن حقیقت تابناک کرده است. خود این، نشانه ی توجه آن بزرگوار است. این را باید قدر دانست.

البته مثل همه ی حقایقی که در برهه های مختلفی از زمان ملعبه ی دست سودجویان میشود، این حقیقت هم گاهی ملعبه ی دست سودجویان میشود. این کسانی که ادعاهای خلاف واقع میکنند - ادعای رؤیت، ادعای تشریف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز - که حقیقتاً ادعاهای شرم آوری است، اینها همان پیرایه های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاکنهاد ممکن است مشوب کند. نباید گذاشت. همه ی آحاد مردم توجه داشته باشند این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشریف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسانهای باارزشی که یک لحظه ی عمر آنها ارزش دارد به روزها و ماه ها و سالهای عمر امثال ما، چنین ادعاهائی نکردند. ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکان داری نیستند. این کسانی که دکان داری میکنند به این وسیله، انسان میتواند به طور قطع و یقین بگوید اینها دروغگو هستند؛ مفتری هستند. این عقیده ی روشن و تابناک را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت.

امروز خوشبختانه در مجلس ما جمعی از عناصر فرهنگی، رایزنان فرهنگی، جمعی از مدیران آموزش و پرورش، جمعی از جوانان زبده و برجسته ی سازمان جوانان، جمعی از مجموعه های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من



به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامی مان، بخصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه ترین و منطقی ترین و مستحکمترین عقاید است. توحیدی که ما تصویر میکنیم، امامتی که تصویر میکنیم، شخصیت نبی که ما تصویر میکنیم، مسائل اعتقادی و معارف دینی ای که در آئین تشیع تصویر میشود، تصویرهای روشن و منطقی ای است که هر ذهن فعالی و اهل کنکاشی میتواند به حقانیت و صحت و دقت این اعتقادات پی ببرد. عقاید شیعه، عقاید بسیار مستحکمی است. همیشه در طول تاریخ اسلام، عقاید تشیع اینجور شناخته شده است. دیگران، مخالفین در مقام احتجاج، در مقام استدلال، در هم‌آوردی های کلامی، به استحکام عقاید امامیه که از ائمه (علیهم السّلام) اخذ شده است، اعتراف کرده اند. و ائمه (علیهم السّلام) به تبع قرآن کریم، ما را به تأمل، به تفکر و به کارگیری خرد و اندیشه دستور داده اند. این است که فکر، اندیشه، خرد، در این عقاید آشکار است؛ به علاوه راهنمایی های ائمه (علیهم السّلام) هم که هدایت کننده است و جلوگیری از لغزشهاست.

این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبر و تأمل عمق بخشید، ثالثاً آنها را بدرستی منتقل کرد. در همه ی مجموعه های فرهنگی اینجور است. در آموزش و پرورش، يك معلم، يك مدير آموزشی یا پرورشی به بهترین وجهی میتواند از این فرصت طلایی عمر نوجوان ما که در اختیار اوست، استفاده کند. عقاید دینی را نه فقط در زنگ تعلیمات دینی، بلکه میشود آن را در همه ی فرصتهای تعلیم با هوشیاری، با دقت، با سنجیدگی، در عمق ذهن و جان متعلم جایگزین کرد، تا او فرصت پیدا کند آن را در دل و مغز خود رشد بدهد.

مجموعه های فرهنگی مرتبط با ملتهای دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آنها، مهمترین کارشان این است که این حقائق را بتوانند با شیوه های مختلف در مقابل چشم و نظر خواهندگان و جویندگان قرار بدهند؛ همین قدر که آنها مطلع بشوند. در همین قضیه ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارتهائی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدویت است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده ی شیعه را نمیداند، یا شکل تحریف شده ی آن به او رسیده، خوب، بدیهی است که يك چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد. آن وقت خواهید دید که قضاوت خردمندان عالم، آگاهان عالم، قضاوت موافق با این عقیده خواهد بود و تأیید میکنند و تصدیق میکنند و به آن می‌گروند.

این را، هم جوانان ما - جوانان فرزانه ی ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما - هم مجموعه هائی که متصدی آموزشند، متصدی تبلیغند، متصدی پرورش افکار و اذهان هستند، باید توجه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت (علیهم السّلام) هست به مخاطب، مساوق با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه ها، خرافه ها، ادعاهای دروغین، کج



فهمی ها، بدفهمی ها دخالت نکند. البته نقش علمای دین، مبلغان برجسته، روشنفکران در این زمینه نقش برجسته ای است. و ملت ما با عمل به تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) و عمل به قرآن، چه در دوران انقلاب، چه در دوران دفاع مقدس، چه در حوادث گوناگونی که برای کشور ما پیش آمده است، حقانیت این تعالیم را نشان داد. بسیاری از مردم دنیا در دوران دفاع مقدس با حقانیت تشیع آشنا شدند و به آن گرایش پیدا کردند و آن را قبول کردند و پذیرفتند؛ همچنانی که خیلی از ناظران جهانی در دوران دفاع مقدس، در دوران انقلاب، با حقائقی که در عمل امام بزرگوار ما و حواریون او - که همین جوانهای مبارز و مجاهد و مجاهدان راه حق بودند - دیده شد، به حقانیت اسلام اعتقاد پیدا کردند. بسیاری از ملتها که مسلمان بودند، اما غفلت از حقیقت اسلام داشتند، بیدار شدند؛ آگاه شدند. نشان دادن حقیقت صحیح دین و نشان دادن آن بخصوص در عمل، چنین خاصیت معجزآسایی دارد.

امیدواریم ملت عزیز ما مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشند و ان شاءالله روز به روز این ملت در ارادت و انس و اشتیاق و انتظار ظهور آن بزرگوار جلوتر بروند. ان شاءالله ظرفیت دلها و چشمها و ظرفیت جهان آماده برای آن انقلاب عظیم الهی بشود.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته